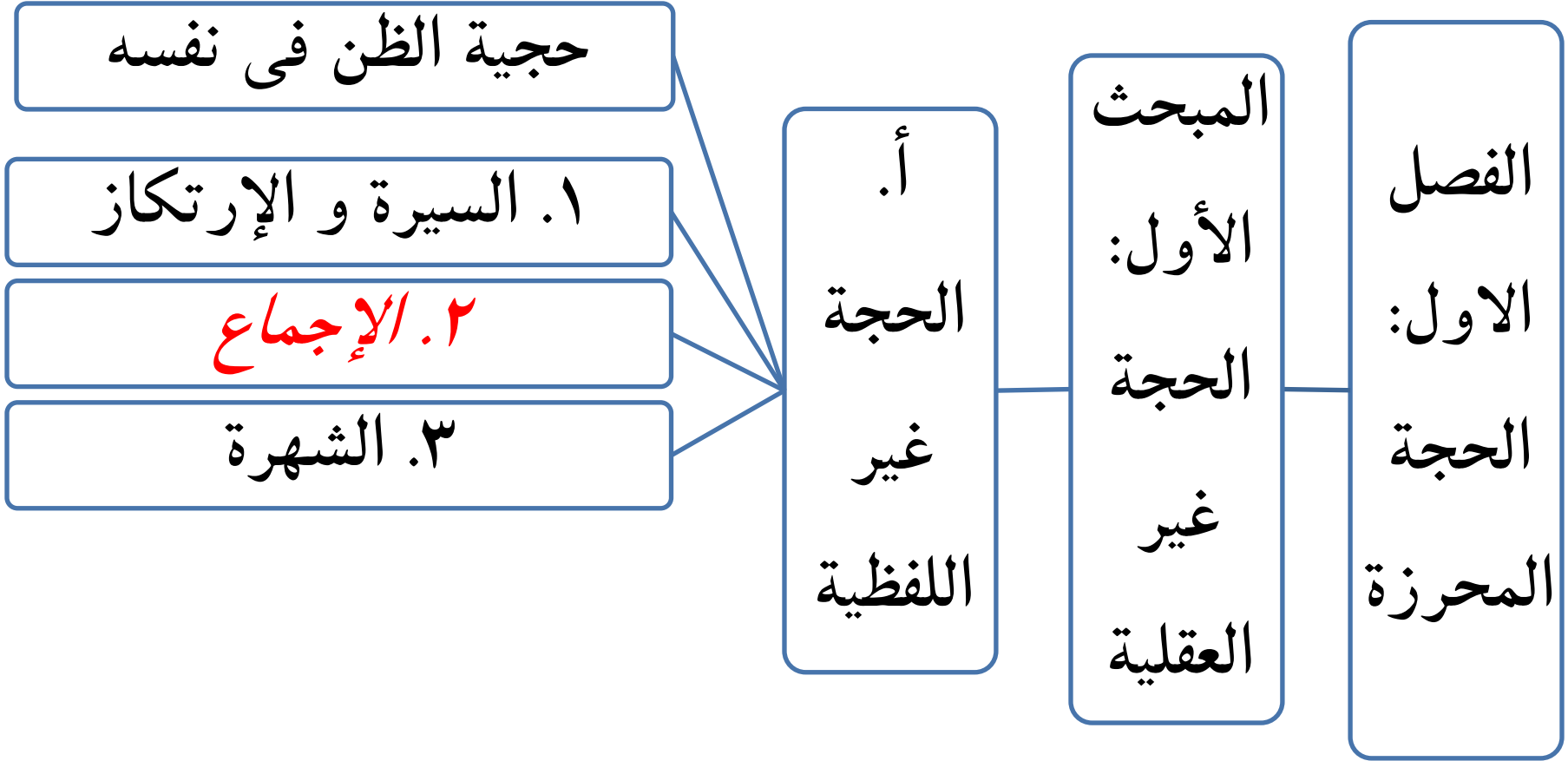


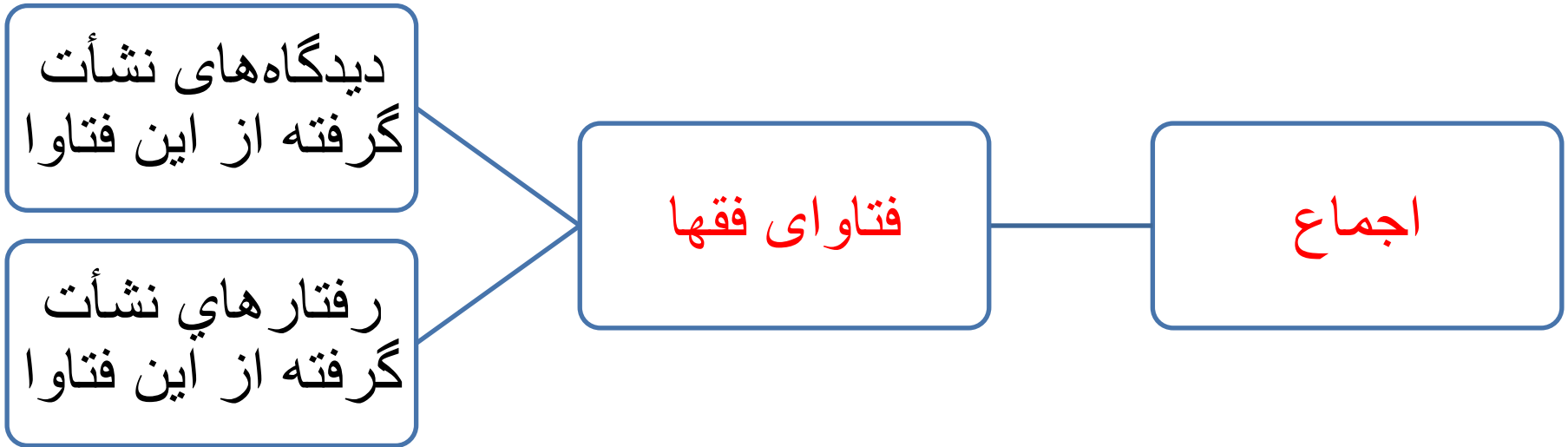
علم أصول الفقه

٩٦

١١-٣-٩٣ اجماع

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

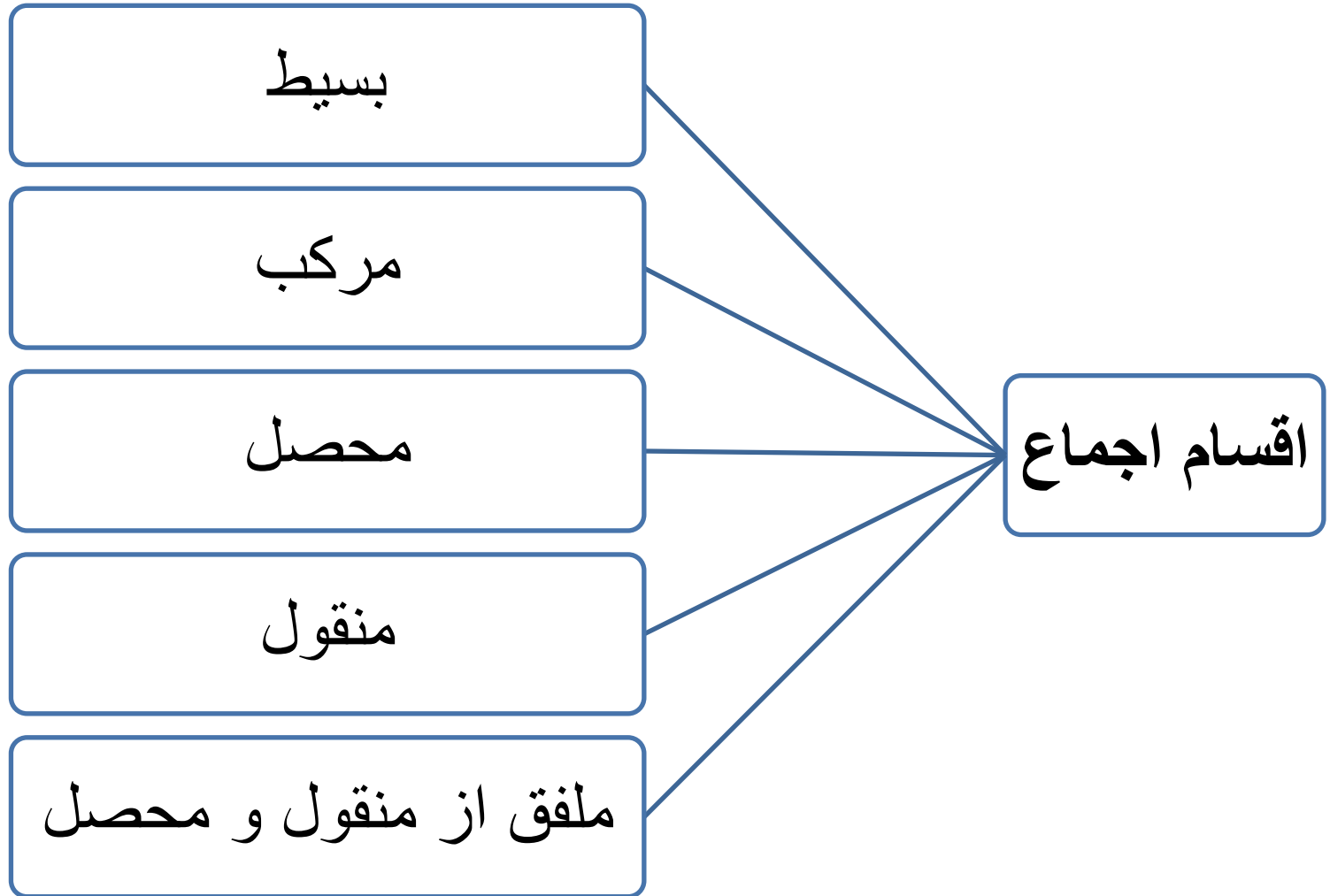




آیا این اتفاق
نظر فقہا
برای ما
حجت است؟

اتفاق نظر
فقہا در فتوا

اجماع

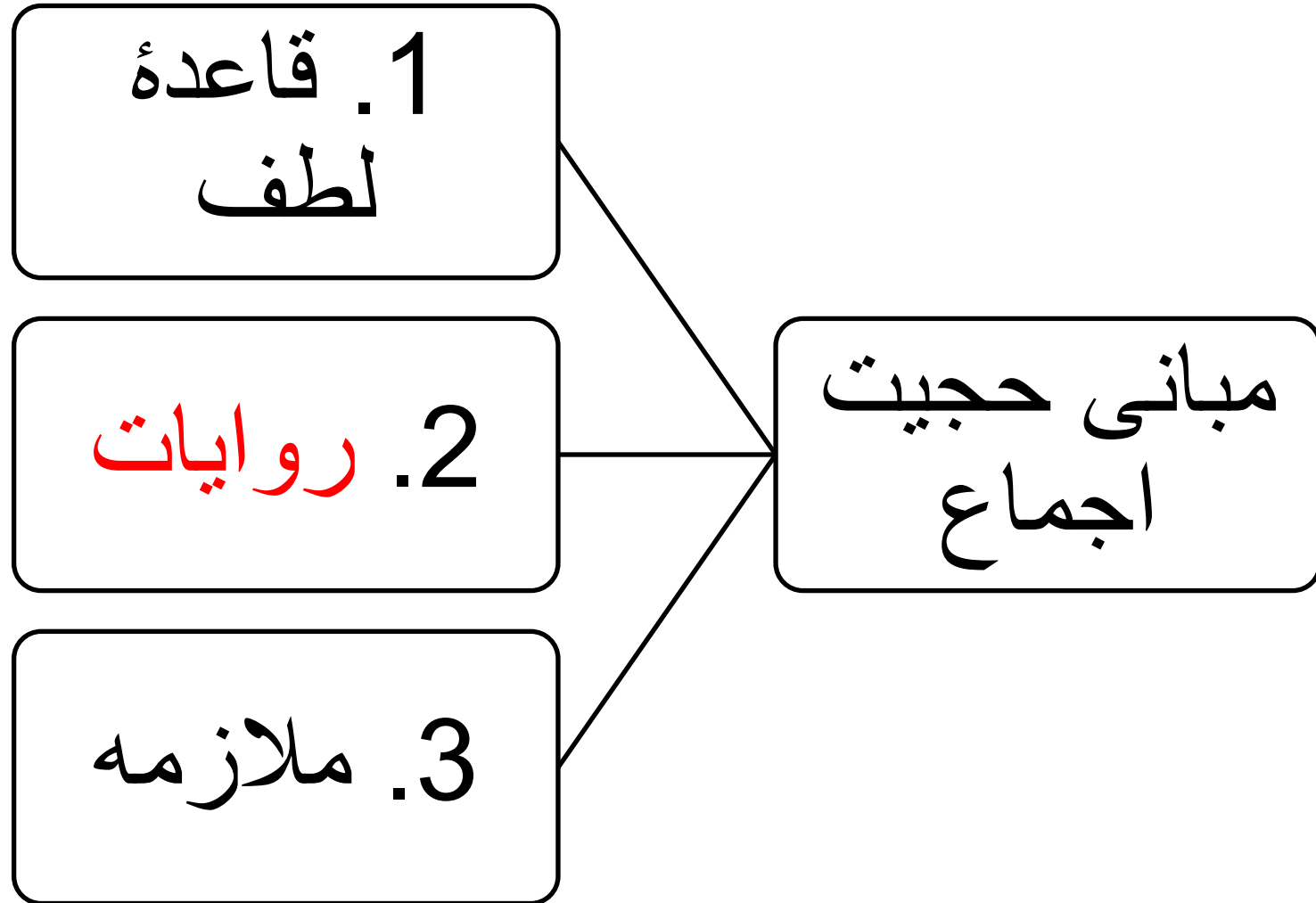


ملاک حجیت اجماع در نظر شیعه

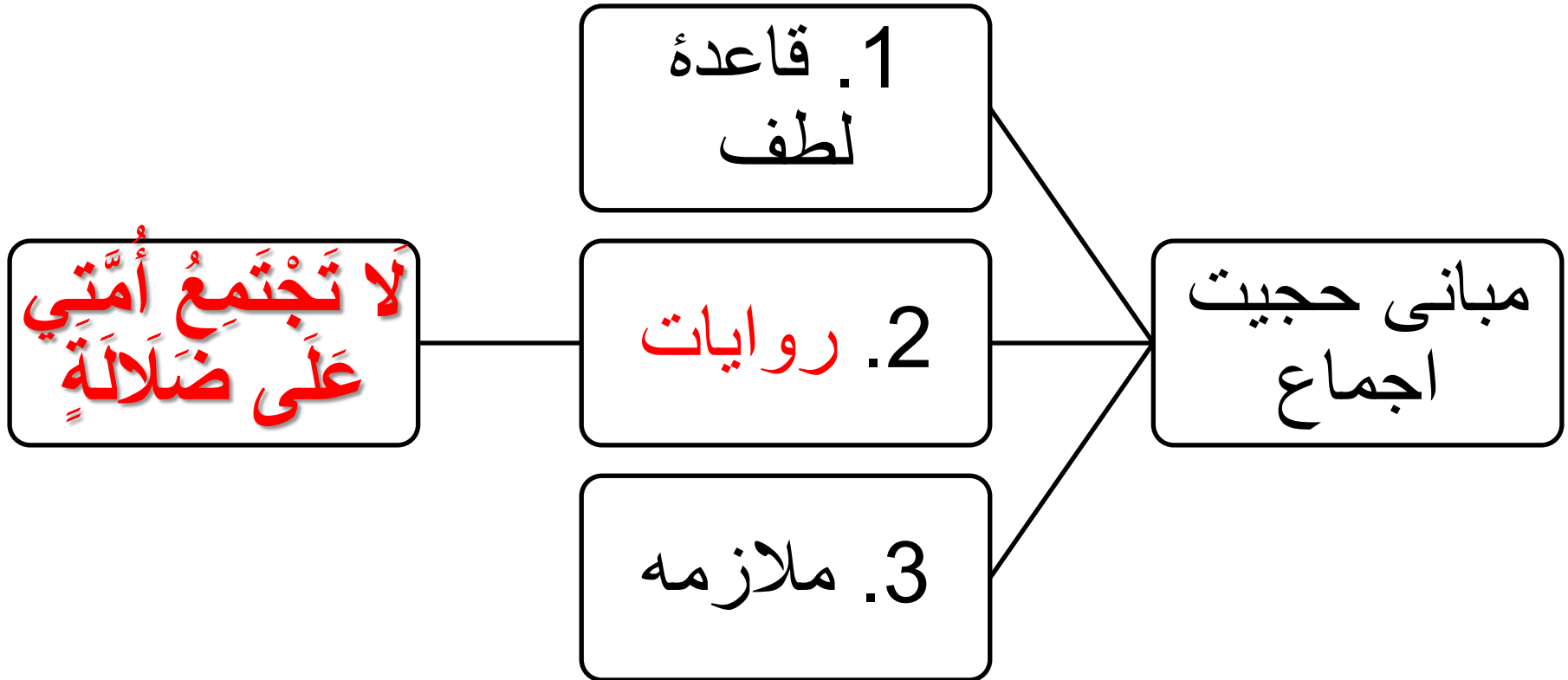
کاشف قطعی از
رای معصوم

اجماع حجیت

مبانی حجیت در اجماع بسیط



مبانی حجیت در اجماع بسیط



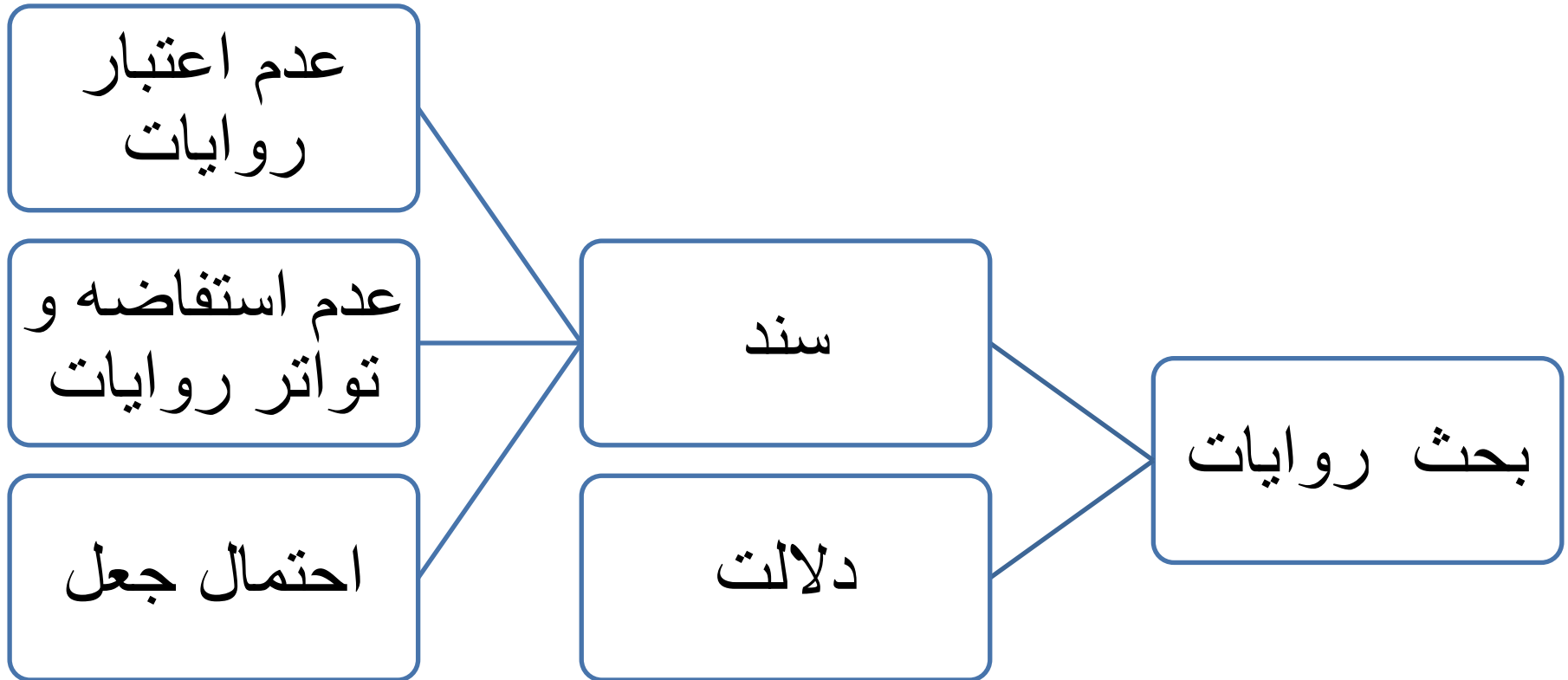
مبنای دوم: روایات

سند

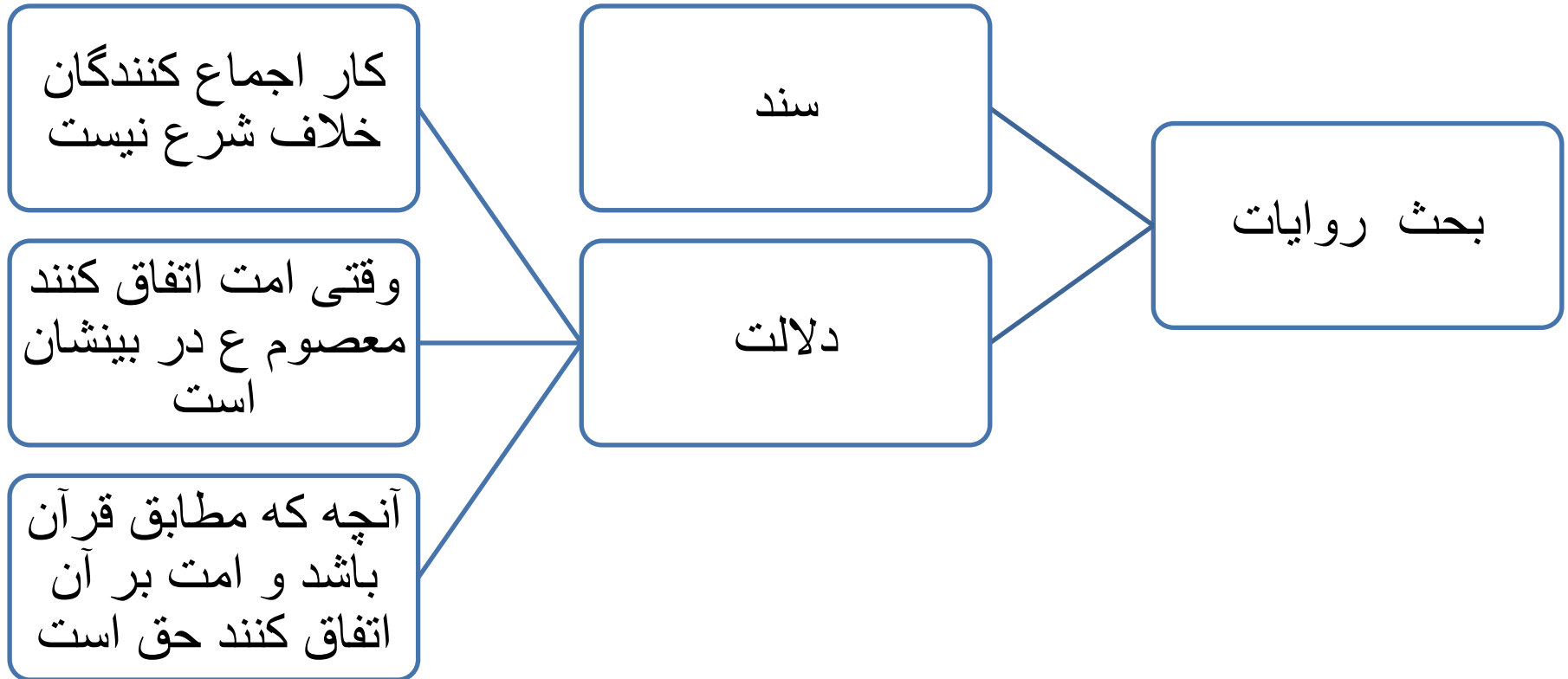
دلالت

بجای روایات

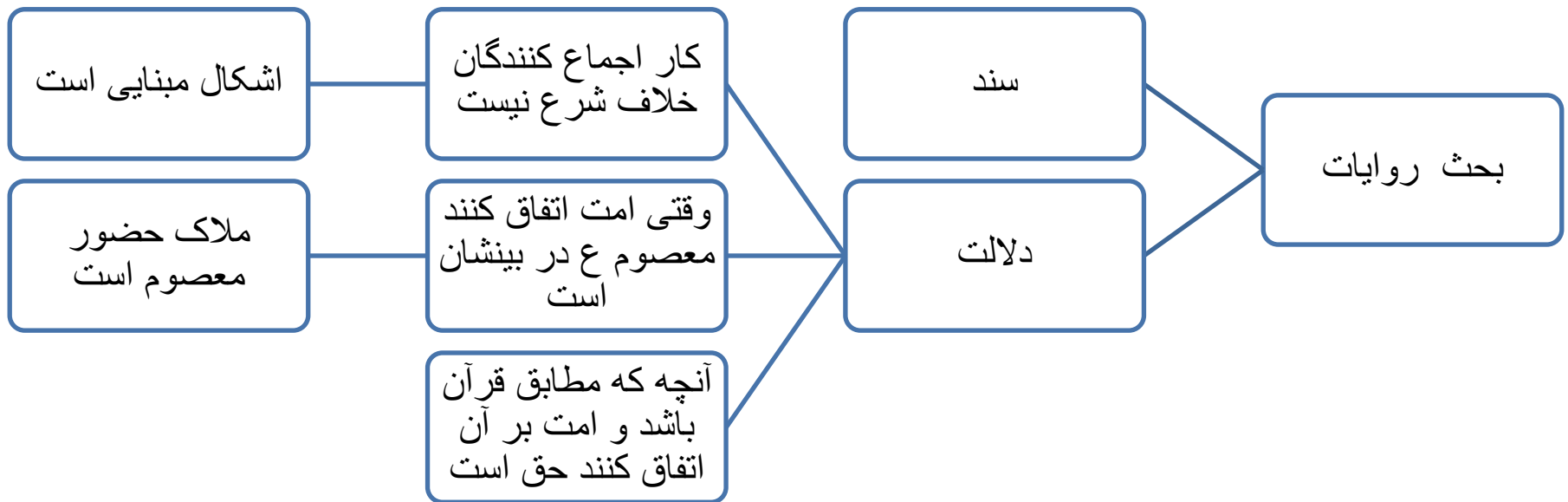
مبنای دوم: روایات



مبنای دوم: روایات



مبنای دوم: روایات



تأملی پیرامون بیان شهید صدر

- البته ظاهر این روایات بر فرض صحت سند و حمل کلمه «الضلالة» بر کذب منطقی (عدم مطابقت با واقع)، همان چیزی که اهل سنت گفته‌اند؛ یعنی اتفاق نظر موضوعیت دارد. ظاهر برخی از این روایات این است که میزان، رأی اکثریت است و نه حتی اتفاق نظر همه؛

تأملی پیرامون بیان شهید صدر

- چنانکه نقل کرده‌اند: «إِنَّ أُمَّتِي لَا تَجْتَمِعُ عَلَى ضَلَالَةٍ، فَإِذَا رَأَيْتُمْ اخْتِلَافًا فَعَلَيْكُمْ بِالسَّوَادِ الْأَعْظَمِ»؛ یعنی اگر شما در امت اختلافی دیدید به گونه‌ای که امت دو دسته شدند، جانب سیاهی بیشتر (اکثریت) را بگیرید.
- اگر این ذیل را در نظر بگیریم، روایت فراتر از بحث اجماع، حجیت شهرت را ثابت می‌کند؛ یعنی همین که اکثر فقها یک فتوایی داشتند و اقلیت فتوایی دیگر، فتوای اکثریت ملاک عمل خواهد بود.

تأملی پیرامون بیان شهید صدر

- فی الحدیث: إذا رأیتم الاختلاف فعلیکم بالسَّواد الأعظم
- ؛ قیل: السَّواد الأعظمُ جُمْلَةُ النَّاسِ و مُعْظَمُهُمُ التَّی اجْتَمَعَتْ عَلَی طَاعَةِ السُّلْطَانِ و سلوک المنهج القویم؛ و قیل: التَّی اجتمعت علی طاعة السُّلْطَانِ و بَخِعَتْ لَهَا، بَرًّا كَانَ أَوْ فَاجِرًا، مَا أَقَامَ الصَّلَاةَ

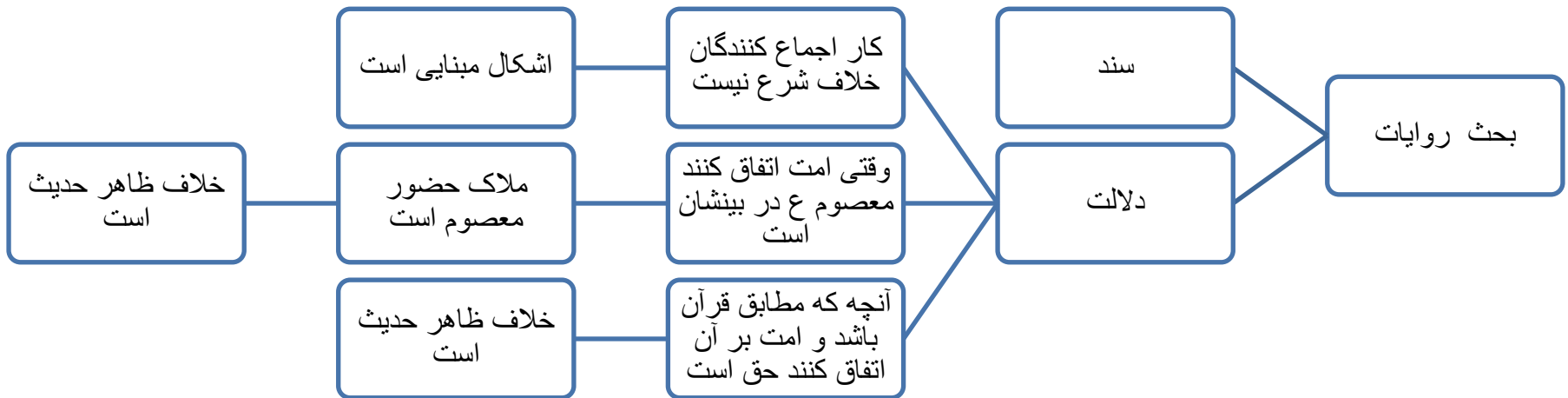
تأملی پیرامون بیان شهید صدر

- شهید صدر - رضوان الله عليه - در قبال این نکته اخیر می فرمایند مهم نیست که اجماع و اتفاق از چه بابی، موضوعیت یا طریقت حجت باشد، بلکه در هر حال اگر همه امت بر مسأله‌ای اتفاق نظر پیدا کنند، حجت است.

تأملی پیرامون بیان شهید صدر

- نتیجه اینکه روایات اجماع اولاً غیر از اشکالاتی که به صورت عمومی بر اسناد روایات اهل سنت وارد است، در اینجا به طور خاص سنداً مخدوش هستند و ثانیاً دلالت آنها تمام نیست و ضلالت به معنای کذب منطقی به کار نرفته است.

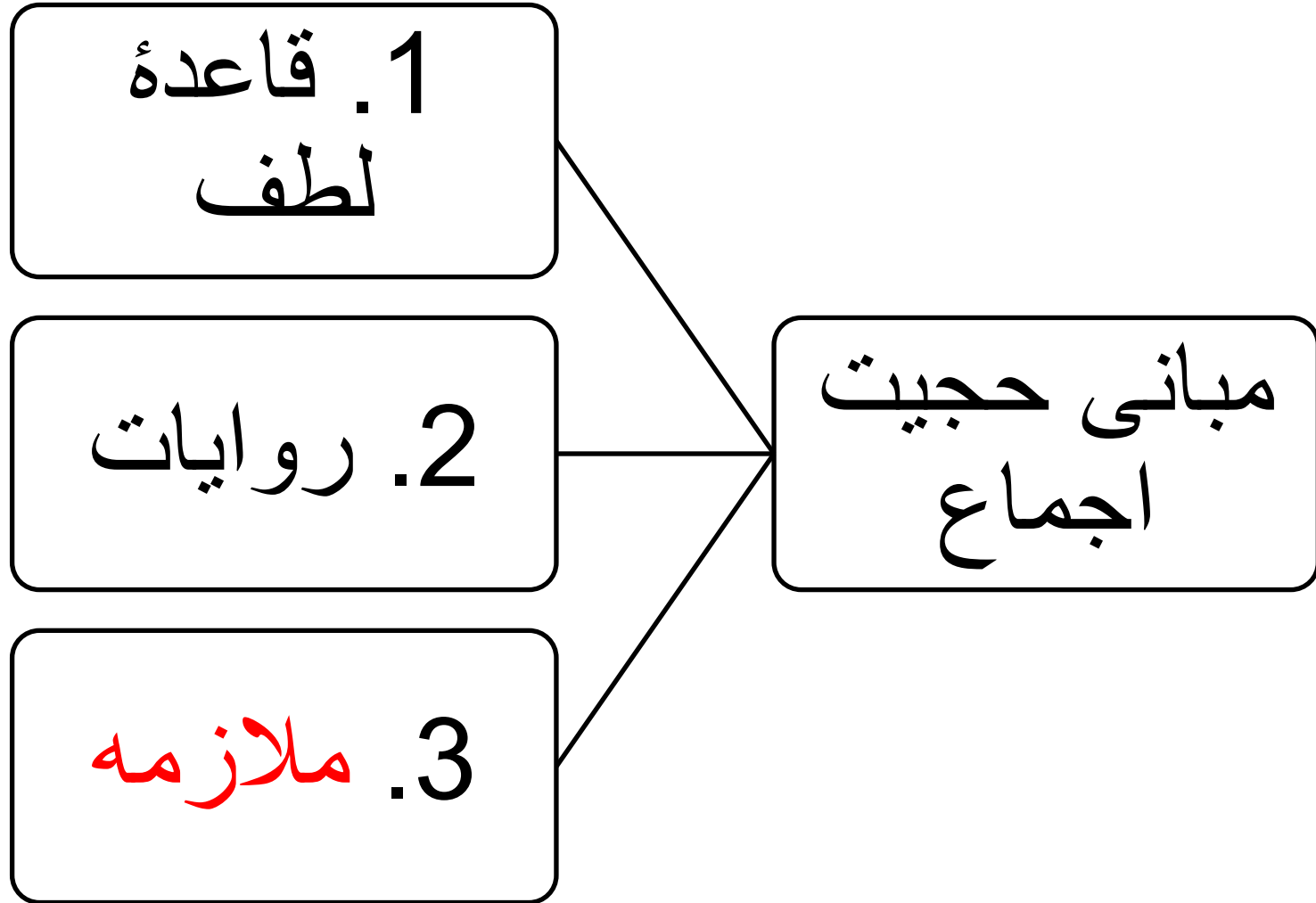
مبنای دوم: روایات



تأملی پیرامون بیان شهید صدر

- ما الآن به اشکالات تصویب نمی پردازیم و گرنه همین جا ممکن است اشکال کنید که اگر فتاوی مجتهدین متفاوت می شود، در فرض تغییر واقع، مگر ممکن است واقع به نفع همه ایشان تغییر کند! در حقیقت بحث تصویب دفاع عقلانی ندارد.

مبانی حجیت در اجماع بسیط



مبنای سوم: ملازمه

- مبنای سوم: ملازمه

مبنای سوم: ملازمه

- اگر پذیرفتیم که اتفاق نظر فقها به خودی خود حجت نیست، آیا کاشف از یک حجت هم نیست؟ یعنی آیا ملازمه‌ای بین اتفاق نظر فقها و یک حجت دیگر وجود ندارد؟
- بسیاری از اصولی‌ها، پاسخ مثبت داده‌اند و گفته‌اند هر چند اتفاق نظر فقها به خودی خود حجت نیست، با حجت دیگری (نظر معصوم) ملازمه دارد.

مبنای سوم: ملازمه

- تقریری که معمولاً فقها از این ملازمه دارند، این است که گاهی می‌بینیم همه فقها در یک مسأله‌ای اتفاق نظر دارند در حالی که در آن مسأله، مدرکی واضح بر حکم پیدا نمی‌کنیم یا اگر مدرکی هست، گرفتار ضعف سند و یا دلالت است. این نشان می‌دهد که فقها مدرک دیگری غیر از این مدارک مخدوش در اختیار داشته اند که به ما نرسیده است. آن مدرک باید طوری بوده باشد که تردیدی در سند یا در دلالتش نباشد؛ چون اگر چنین تردیدی می‌بود، باید شاهد اختلافی در بین فقها می‌بودیم در حالی که می‌بینیم همه این فقها یک نظر را انتخاب کرده‌اند؛ بنابراین بین اجماع فقها و وجود یک مدرک معتبر و واضح ملازمه هست.

مبنای سوم: ملازمه

- آنگاه در علم اصول این بحث مطرح شد که این ملازمه در بحث اجماع چه ملازمه‌ای است؛ عقلی، عادی یا اتفاقی؟

اقسام ملازمه

- اقسام ملازمه
- ملازمه عقلي

اقسام ملازمه

- ملازمه عقلی آن است که بین لازم و ملزوم تلازم عقلی باشد؛ یعنی اگر ملزوم هست، در نظر عقل لازم هم باید باشد و این دو نمی‌توانند از هم تفکیک شوند. فقها برای این مورد تواتر را زده‌اند و به یک معنا آن از فلسفه و منطق عاریت گرفته‌اند.

اقسام ملازمه

- تواتر یعنی تعداد زیادی مخبر مطلبی را برای ما نقل می‌کنند. گفته‌اند بین تواتر و بین صدق آن خبر متواتر یعنی مطابقتش با واقع، ملازمه عقلی هست.
- شهید صدر - رضوان الله علیه - بر این مثال اشکال می‌کند؛ ولی اصل کبری یعنی اینکه ملازمه عقلی وجود دارد، درست است.

اقسام ملازمه

- ملازمه عادی
- ملازمه عادی آن است که انفکاک لازم از ملزوم در نظر عقل محال نیست؛ اما عادتاً و به مقتضای طبیعتشان، بینشان تلازم وجود دارد. شهید صدر - رضوان الله علیه - به رابطه طولانی شدن عمر و پیری ظاهری مثال می‌زنند و می‌گویند عقلاً محال نیست که کسی ۱۰۰ ساله باشد؛ لیکن ظاهر یک جوان ۲۰ ساله را داشته باشد؛ یعنی عوارض و نشانه‌های پیری مثل سفید شدن محاسن، ضعیف شدن توانایی‌های جسمی در او ظهور پیدا نکرده باشد؛ ولی عادتاً هر کسی سنش بالا می‌رود، به تناسب بالا رفتن سن نشانه‌های پیری در وی ظاهر می‌شود.

اقسام ملازمه

- ملازمه اتفاقی
- گاهی از اوقات ملازمه نه عقلی است نه عادی، بلکه یک ملازمه اتفاقی است؛ یعنی انفکاک لازم و ملزوم استحاله عقلی ندارد و عادتاً هم غیر ممکن نیست، بلکه به صورت اتفاقی این دو در یک جا جمع شده‌اند.

اشکال شهید صدر بر تقسیم ملازمه

- اشکال صدر - رضوان الله عليه - بر تقسیم ملازمه به عقلی و عادی
- ایشان اشکال می‌کند که اساساً ملازمه یک امر عقلی است و تقسیم آن به عقلی، عادی و اتفاقی غلط است. این عقل است که همیشه تلازم را درک می‌کند؛ البته گاهی عقل این تلازم را به صورت مطلق و گاهی در یک ظرف خاصی درک می‌کند. آنجا که به نحو مطلق است، می‌گویند ملازمه عقلی. آنجا که در یک ظرف طبیعت امور است، می‌گویند ملازمه عادی و جایی که در یک ظرف اتفاقی است، می‌گویند ملازمه اتفاقی.

اشکال شهید صدر بر تقسیم ملازمه

- این اشکال از خلط بین اصطلاحات ناشی می‌شود. ربک: بحوث فی علم الأصول، ج ۴، ص ۳۰۹.

ببر تقسيم ملازمه

- نقد اشكال شهيد صدر - رضوان الله عليه - بر تقسيم ملازمه

ببر تقسیم ملازمه

- مقصود آن‌ها که می‌گویند ملازمه سه قسم است این نیست که از بین این سه ملازمه فقط ملازمه عقلی را عقل درک می‌کند؛ زیرا اگر مقصود از عقل قوه مدرکه باشد که ظاهراً مقصود شهید صدر - رضوان الله علیه - همین است، تمام ملازمات را همین قوه مدرکه درک می‌کند و در این بحثی نیست.

ببر تقسیم ملازمه

- فرق ملازمه عقلی، عادی و اتفاقی در این است که در موارد حاکم به ملازمه و نه فقط ادارک کننده، عقل است؛ به این معنا که عقل می‌گوید محال است این لازم و ملزوم از هم جدا شوند به گونه‌ای انفکاک این دو مستلزم اجتماع نقیضین یا ارتفاع نقیضین است

ببر تقسیم ملازمه

- و در ملازمه عادی چنین استحالهای وجود ندارد؛ هر چند روند طبیعی امور اقتضا می‌کند که این دو از هم جدا نشوند
- و در ملازمه اتفاقی این است که دو چیز با هم تلازم دارند و همیشه همراه هم هستند؛ اما این همراهی نه عقلی است که جدا شدن آن دو عقلاً محال باشد و نه عادی است که روند طبیعی این اقتضا را داشته باشد، بلکه بر حسب اتفاق است؛ مثل اینکه بعضی‌ها همیشه با هم هستند. در هر مجلسی، در هر درسی و در هر کاری به گونه‌ای که آدم هر یک از ایشان را می‌بیند، منتظر است دومی را هم ببیند.

عادی بودن ملازمه در بحث اجماع

- عادی بودن ملازمه در بحث اجماع
- سؤال این بود که ملازمه بین اجماع و وجود یک حجت که به لحاظ سند معتبر و به لحاظ دلالت واضح است، از کدام قسم است؟ بسیاری از اصولی‌ها گفته‌اند این ملازمه، اتفاقی است و تعبیر حدس که در اجماع حدسی می‌گویند، ناظر به همین نوع ملازمه است.
- در مقابل گفته‌اند ملازمه بین تواتر و صدق، عقلی است؛ یعنی اگر عده‌ای از یک مطلبی خبر دادند و تعدادشان از یک حدی بالاتر رفت، عقلاً محال است که آن مطلب مطابق با واقع نباشد.